

مر تبه‌ای برای «۱+۲»؛ نماینده ایران و رویای بربادرفته میزبانی در آسیا آوارگان؛ قسمت هزارم

نازنین دشتی

در روزهای تیدار و پر التهاب اواسط تابستان ۱۴۰۵، درست در شرایطی که سکوی‌های سیمانی و خسته‌روز شگاه‌های ایران در انتظار میزبانی از بزرگ‌ترین فستیوال فوتبال باشگاهی قاره کهن خمیاره می‌کشیدند، خبری تلخ‌اثرتر، کنفدراسیون فوتبال آسیادر کوالالمپور، آب‌پاکی‌را روی دست‌میلیون‌ها هوادار ایرانی ریخت. اینجا خاورمیانه است، جایی که گاهی معادلات مستطیل سبز نه‌تاکتیکی‌مهربیان‌و‌نبوغ بازیکنان، بلکه با منتغیرهای پیچیده و سایه‌های سنگین بیرون‌از زمین گره می‌خورد. حالا، در قلب این تابستان داغ، بحرانی تازه و البته آشنا گریبان‌گیر «۱+۲» نماینده آسیایی فوتبال ایران شده‌است. محرومیت مطلق از میزبانی و آغاز دوباره آوارگی در زمین‌های بی‌طرف.

فصل جدید مسابقات با آن ساختار پر زرق‌وبرق و اصلاح‌شده‌اش که تحت‌عنوان دهان‌پر کنی چون «لیگ‌نخبگان» و «سطح‌دوم‌لیگ قهرمانان آسیا ۲۰۲۴ (ACL)» برندسازی شده، قرار بود نقطه‌عطفی برای باشگاه‌های ایرانی باشد. طبق سهمیه‌بندی‌های جدید و پس از تغییر روند توزیع سهمیه‌ها، قرار بر این بود که فوتبال باشگاهی ایران در لیگ نخبگان فصل ۲۰۲۴-۲۰۲۵، با دو شمشیرزن قهار یعنی استقلال و تراکتور به میدان برود و یک نماینده دیگر نیز در سطح دوم این رقابت‌ها به دنبال اثبات حقانیت خود باشد. روز سه‌شنبه، بیست‌وهفتم مردادماه، تاریخی است که برای قرعه‌کشی این دو سطح از رقابت‌ها در تقویم علامت‌خورده‌است؛ روزی که نمایندگان ایران با قدری خودرا بشناسند تا برای نبردهای قارهای آماده‌شوند. اما حالا این قرعه‌کشی زیر سایه سنگین یک‌واژه قرار گرفته‌است: محرومیت.

استقلال، قهرمان بی‌چون‌و‌چرای قلب‌های آبی‌پوش پایتخت و تراکتور، نماد تعصب و شور بی‌تغییر دیار آذربایجان، در قامت تیم‌های اول و دوم فصل اخیر لیگ برتر، بلیت طلایی حضور در لیگ نخبگان را در جیب دارند. اما تراژدی اصلی در پس کوچه‌های معرفی‌نماینده سوم‌پنهان شده‌است؛ جایی که یک کم‌دی تلخ‌مدیریتی در حال اکران است. لیگ بیست‌وپنجم که با حواشی عجیب‌وغریبش نیمه‌تمام‌شد و جدول آن فریز شد، سمری‌اثر از ابله‌مار برای فوتبال ایران به جا گذاشت. از نظر منطق خشک جدول فریز شده، لیگ بیست‌وپنجم سهمیه‌حق مسلم گل‌گیر بود. اما برای حل این معمای لایحی، یک تورنمنت سه‌جانبه ابداع شد تا تکلیف سهمیه سوم در میدانی گلدای‌توری مشخص شود. در کمال شگفتی، این تیم جاذب‌ب چهار ملو بود که توانست از سد قاره‌هایی چون پرس‌پولیس و گل‌گیر عبور کنند و جام سهمیه‌را بالای سر ببرند. با این حال، داستان به همین نقطه ختم نشد؛ مکتوبات پر از ایراد منتقلش و جنجال آفرین مسئولان قدراسیون فوتبال ایران با AFC در مسیر معرفی این نماینده سوم، چنان کلافی را در هم پیچیده که حالا نه‌تنها مشخص نیست چه تیمی مسأله‌آسیاست بلکه سایه‌شوم‌آین‌فرتن کامل این سهمیه نیز بر سرفوتبال باشگاهی ایران سنگینی می‌کند. یک خوزنی تمام‌عیار در حساس‌ترین پیچ تاریخی!



اما بگذارد؛ به دردمشترک و بزرگ‌تر بازگردیم؛ حکمی که رویای شبانه‌روزی هواداران ایرانی را به یک کلوس بیداری تبدیل کرد. فوتبال، بدون تماشاگرانش، شبیه به کالبدی بی‌روح‌است و کنفدراسیون فوتبال آسیا با تمهید دستور جنجالی خودمدنی بر برگزاری دیدارهای نمایندگان ایران در زمین ثالث، دقیقاً همین روح را از فوتبال ما دریغ کرد. دست‌پنهان‌همان کلیدواژه همیشگی است: شرایط خاص منطقه این تصمیم در حالی اتخاذ شده که هواداران استقلال، با خاطرات شبهای رویایی ورزشگاه آزادی و نورافکن‌هایی که روی چمن سبز آن می‌رقصیدند، برای بازگشت به صفا اول فوتبال آسیا لطمه‌شمار می‌کردند. در آن سوی میدان، پرشورهای تبریزی نیز روی سکوی‌های سرخ‌پوش ورزشگاه یادگار امام حساس و پزای بازگردیدند تا چمنی سرخ‌برای حرف‌نای آسیایی تراکتورسان دو ستارگان گران‌قیمت قاره را در موجی از تشویق‌های بی‌ان غرق کنند. اما پیغام AFC روشن، صریح‌و بی‌رحمانه است: نمایندگان ایران تا اطلاع ثانوی حق میزبانی در خانه ندارند؛ به زمین بی‌طرف خوش آمدید!

در این واقفاسی ناامیدی دو تیم بر طرف‌دار دست‌به‌دامن دیپلماتسی ورزشی شده‌اند. علی‌تارجانیراس پرست‌مدیرعلمی استقلال به‌همراه حجت کریمی، چه‌چرای که به تاری‌گی بر صندلی مدیرعلمی باشگاه تراکتور، کریم ده‌دست، یک ائتلاف نامریی تشکیل داده‌اند. آنها در حال تدوین نامه‌ای مشترک و پر التهاب خطاب به مهدی تاج، رئیس فدراسیون فوتبال هستند تا از اویخوندن با تمام‌قوای بازگرداندن حق میزبانی تیم‌های ایرانی وارد میدان شود. تاج که در قامت‌تاریس کنفدراسیون فوتبال آسیا فعالیت می‌کند، پیش از این نیز سابقه بازگرداندن امتیاز میزبانی به تیم‌های ایرانی را در دوره ریاست خود ثبت کرده‌است. حالا جامعه فوتبال ایران چشم انتظار است تا ببینند آیا تاج می‌تواند در بازی‌های نفس‌گیر باشیخ‌سلمان برتیس مقتدر AFC، این حق پایمال شدم را بازپاید؟

با وجود تمام این امیدواری‌ها، واقعیت‌های منطقه نشان می‌دهد که شانس بازگشت میزبانی به ایران در کوتاه‌مدت، چیزی شبیه به یک رویای محال است. اما نکته جالب و تاحدود عجیب ماجرا، انتخاب لوکیشن‌های جایگزین برای میزبانی تیم‌های ایرانی است. در سال‌های گذشته، دویی و دوحه مقاصد همیشگی و لوکس تیم‌های ایرانی برای میزبانی در زمین بی‌طرف بودند. اما حالا، امارات و قطر به عنوان گزینه‌های میزبانی منتفی شده‌اند. قطب‌نمای فوتبال ایران حالا به سمت مقاصدی جدید و متفاوت خیزیده‌است. بحث حضور در کشور‌های ازبکستان و تاجیکستان به طور جدی روی میز است؛ کشورهایی با اتمسفری کلامتفاوت، شایعات قوی به گوش می‌رسد که احتمال برگزاری مسابقات در کشور‌های عراق و عمان نیز وجود دارد. تصور کنید استقلال یا تراکتور با دیدرورزشگاه‌های تاشکند، دوشنبه، بصره یا مسقط از حرف‌نای خود میزبانی کنند؛ یک آوارگی مدرن که هیچ شباهتی به امتیازاز رشتندبازی خلگی ندارد.

حالا فوتبال ایران مانده‌است و تقویم و روزهایش تا ۲۷ مرداد که کند می‌گذرد. هواداران در حسرت تماشاگر ستارگان آسیایی در خانه می‌سوزند، مدیران در نامه‌نگاری‌های بی‌پایان غرق شده‌اند و بازیکنان باید خود را برای سفرهای خسته‌کننده آماده‌کنند. این داستان مستند و تلخ فوتبال در سرزمینی است که گاهی برای رسیدن به حق طبیعی‌اش باید هزاران کیلومتر دورتر از خانه، به دنبال یک تکه زمین چمن گردد.

صاحب امتیاز: موسسه اطلاع‌رسانی و خبرگزاری ایلنا
مدیر مسئول: مسعود حیدری
زیر نظر شورای سردبیری
مدیر بازرگانی و روابط عمومی: مرتضی بلوکی

toseeirani.ir

نوعی ایرانی



وقتی فوتبال تمام‌قد به احترام اسطوره‌هایش می‌ایستد

سمفونی شکوه

روی اسکور برد باشند، اما حالا خود واقعیت از هر قصه‌ای که بتوانیم روی کاغذ بیاوریم یا در قاب تصویر به نمایش بگذاریم، دیوانه‌کننده‌تر و دست‌نیافتنی‌تر است. حضور انگلیس، آرژانتین، فرانسه و اسپانیا در نیمه‌نهایی، تجلی همان رویایی است که هر عاشق فوتبالی در خلوت خود می‌پروراند. تقابل سبک‌ها، نبرد نسل‌ها و رستاخیز اسطوره‌ها. این چهار تیم، چکیده‌ای از تمام زیبایی‌ها، رنج‌ها و رستگاری‌هایی هستند که فوتبال می‌تواند به بشریت عرضه کند. به فرانسه نگاه کنید؛ تیمی که شبیه به یک ماشین جنگی غیرقابل توقف است. خروس‌ها با انکابه‌خط‌حمله‌ای که بوی باروت و جنون می‌دهد، پایه این هر حله گذاشته‌اند. کلییان امپایه دیگر آن جوان جوایی نام نیست؛ او حالا پادشاهی است که می‌خواهد تاج و تختش را در تاریخ مستطیل سبز با اقتدار کامل تثبیت کند. اسنارت‌های انفجاری و ویرانگر او، در کنار حرکات غیرقابل پیش‌بینی عثمان دمبله و طراوت مهارت‌شدنی مایکل اولیسه، خط‌حمه‌ای را ساخته که لرزه بر اندام هر تیمی می‌اندازد. تماشاای فرانسه، تماشاای قدرت محض است؛ تماشاای تیمی که می‌داند چطور در کسری از ثانیه، نسخه حریف را بپیچد و با بی‌رحمی تمام، رویاهای رقیب را در هم بشکند. آنها تجسم سرعت، قدرت و غریزه ناب گلزنی در عصر مدرن فوتبال هستند.

اماد برابر این قدرت محض، اسپانیایی قد علم کرده که شعر می‌سراید. ماتادور‌ها با پوست‌اندازی

از این مفهوم ارانه داد. او یکی از معدود بازیکنان تاریخ پرس‌پولیس است که قبل از آغاز عصر طلایی و نوین ایسن تیم و پیش از دوران قهرمانی‌های متوالی، در رختکن سرخ‌پوشان حضور داشت و روز‌های سخت و بحرانی را نیز لمس کرده‌بود. او به جز یک مقطع خاص و ناگزیر که به دلیل گذراندن دوران خدمت مقدس سربازی مجبور به جدایی از تیم و پیوستن به تراکتور شد، حضور مستمر، خستگی‌ناپذیر و متعصبانه‌ای در پرس‌پولیس داشت. این ستاره با تعصب در طول ۱۲ فصل حضور باشکوه خود در پرس‌پولیس، کارنامه‌ای آکنده از طلا و جام‌های نقره‌ای به یادگار گذاشت. او همراه با پرس‌پولیس موفق شد به افتخارات متعددی دست یابد؛ کسب پنج عنوان قهرمانی باشکوه در لیگ برتر فوتبال ایران، به‌دست آوردن دو عنوان قهرمانی در رقابت‌های جام حذفی و بالای سر بردن سه جام قهرمانی در مسابقات سوپر جام. این ۱۰ جام رسمی، نام او را به عنوان یکی از پرافتخارترین مهره‌های تاریخ فوتبال ایران جاودانه می‌سازد.

شکستن رکوردهای سنتی در باشگاهی با قدمت پرس‌پولیس کار هر کسی نیست، اما عالیشاه با تداوم بی‌تغییر خود موفق شد به صدر جدول پائیات‌ترین بازیکنان تاریخ باشگاه تکیه بزنند. او با انجام ۲۹۹ بازی رسمی، بالاتر از علی پروین، اسطوره بی‌تکرار باشگاه، رکورددار بیشترین تعداد بازی برای پرس‌پولیس در تمام قاره‌ها در تاریخ این باشگاه بزرگ است. برای درک بهتر این رکورد شگفت‌انگیز، کافی است به ترکیب بازیکنان فعلی پرس‌پولیس نگاه کنیم؛ جایی که علی عبیپور با ۲۷۶ بازی بیشترین تعداد بازی را پس از او انجام داده و هنوز فاصله زیادی با رکورد کاپیتان دارد. او در این ۲۹۹ بازی لیگ برتری، در ۱۳۰ بازی به عنوان بازیکن برنده و پیروز از زمین سابقه خارج شده که این تعداد، بیشترین پیروزی ثبت‌شده توسط یک بازیکن با پیراهن سرخ پرس‌پولیس در تاریخ لیگ برتر فوتبال ایران است.

امید عالیشاه در زمین مسابقه مهندسی خلایق و چشم‌نواز بود که با پاس‌های میلی‌متری خود خطوط دفاعی حریفان را متلاشی می‌کرد. او با ثبت

چاپ: کار و کارگر ۱۷۳۱۷۶۶۸

نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به وانه پلر، پلاک ۱۳۲
نشانی سایت: toseeirani.ir
تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰
ایمیل: toseeirani@gmail.com

شماره ۲۲۲۳/ دوشنبه ۲۲ تیر ۱۴۰۵/ ۲۸ محرم ۱۴۴۸/ ۱۳ جولای ۲۰۲۶

نبرد فرانسه و اسپانیا، نبرد دشمشیر و قلم‌مواست؛ نبرد گلدای‌تورهای بی‌رحم در برابر هنرمندانی که با هر پاس کوتاه و بلند، نقشی تازه بر بوم سبز ورزشگاه می‌زنند. این مسابقه، یک کلاس درس تاکتیکی است که تاداه‌ها بعد در آکادمی‌های فوتبال تدریس خواهد شد و تماشاای آن، برای هر کسی که ضربان قلبش با فوتبال تنظیم می‌شود، یک فریضه‌است

شکوه این نیمه‌نهایی در همین تضادها، تقابل‌ها و خرده‌روایت‌هاست. در این چهار تیمی که به این مرحله رسیدند، هیچ بازنده‌ای وجود نخواهد داشت. هر تیمی که حذف شود، بخشی از قلب تپنده فوتبال را با خود خواهد برد و هر تیمی که به فینال برسد، نماینده شایسته تمام زیبایی‌های این ورزش خواهد بود. این نیمه‌نهایی، ادای دین تمام‌عیار فوتبال است به هواداران که در این دنیای پر از هیاهو، استرس و روزمرگی، هنوز هم تنها پناهگاه و دلخوشی‌شان یک توپ گرد و دو دروازه است. اینجا جایی است که منطق رنگ می‌یازد، تحلیل‌های خشک آماری بی‌معنای‌شوند و احساس، با تمام قدرت پادشاهی می‌کند. وقتی سوت آغاز این دو مسابقه به صدا دربیاید، کره زمین برای چند ساعت از چرخ‌باز خواهد ایستاد تا با احترام کامل، نظاره‌گر هنر‌نمایی بهترین فرزندان‌ش باشد.

ما روی لبه تاریخ ایستاده‌ایم. باید این لحظات را در آغوش کشید و با تمام سلول‌های بدن آن‌المس کرد. باید تک‌تک استرس‌ها، فریادها، اشک‌های شوق، حسرت‌ها و لبخندهای این هر مرحله را در حق‌ترین جای صندوقچه خاطرات‌مان ذخیره کنیم. سال‌ها بعد، وقتی موه‌ای‌مان سپید شد و در کنار شومینه برای نسل‌های بعد از گذشته حرف می‌زنیم، با افتخار سینه سپر خواهیم کرد و خواهیم گفت: «ما آنجا بودیم. ما نیمه‌نهایی رویایی جام جهانی ۲۰۲۴ را با تمام وجود، بستیم. ما مقابل امپایه ویرانگر و پامال هنرمند را دیدیم. ما نبرد انگلیس تشنه جام و آرژانتین مسی را در آخرین روزهای پادشاهی‌اش با چشم‌پوشیده نکردن از هیچ ثانیه‌ای تماشا کردیم.»

ایسن کلمات، صرفاً یک یادداشت ورزشی نیست؛ این یک مرثیه و یک مدیحه برای فوتبال است. مدیحه برای پدیده‌ای که می‌تواند این چنین انسان‌ها را از زنده‌ها، مرزها و زبان‌های مختلف، پای یک گیرنده میکوبد کند و قلب‌هایشان را برای ۹۰ دقیقه به کادری گره بزند. جام به‌بست‌وسوم، با این چهار شوالیه بی‌تغییر و تکرار‌نشده‌ای، به زیباترین، دراماتیک‌ترین و باشکوه‌ترین شکل ممکن در حال رسیدن به نقطه اوج خود است. بایبید چشم‌های‌مان را ببندیم، یک نفس عمیق بکشیم و خود را برای آتماشاای باشکوه‌ترین تئاتر زنده در تاریخ بشریت آماده کنیم. سوت داوَر که به‌صدا درآید، دیگر هیچ راه بازگشتی در کار نیست؛ ما غرق در دریای بی‌کران جادو، تعصب و عشق خواهیم شد. زنده‌باد فوتبال و زنده‌باد این جنون دوست‌داشتنی که هرگز، تحت هیچ شرایطی، ما را در این دنیا تنها نمی‌گذارد.

تصویری ما‌حک شده‌است. این مسابقه، بر‌خورد دو فرهنگ فوتبالی کاملاً متفاوت است؛ دیسپلین، قدرت بدنی و انسجام بریتانیایی در برابر تکنیک ناب، تعصب بی‌اندازه و بازی‌خوانی ذاتی آمریکایی جنوبی. سه‌شیرها دهه‌هاست که بار سنگین حسرت را به دوش می‌کشند. آنها جام را در خانه می‌خواهند و برای این هدف، نسلی طلایی را پرورش داده‌اند. جودبلینگام، با آن صلابت و یختگی که در هر گامش موج می‌زند، رهبر ارکستر تیمی است که دیگر از سایه‌ها نمی‌ترسد. هری کین، با خطه‌به‌خط زندگی یک اسطوره را بالا و پایین کرده فتح دروازه‌هاست. انگلیس ۲۰۲۶، تیمی است که می‌خواهد تاریخ را از نو بنویسد و به آن جمله معروف «فوتبال به‌خانه‌برمی‌گردد» معنایی واقعی ببخشد. آنها نمی‌دهند که دوباره در نیمه‌نهایی اشک بریزند؛ آمده‌اند تا حق تاریخی خود را از این جام پس بگیرند.

و اما آرژانتین و اما لیونل مسی. چطور می‌توان از شکوه این نیمه‌نهایی نوشت و در برابر عظمت نام این مرد بغض نکرد؟ وقتی سال‌ها کلمه به کلمه و خطه‌به‌خط زندگی یک اسطوره را بالا و پایین کرده باشی، وقتی تمام رنج‌ها، افتادن‌ها، برخاستن‌ها و معجزاتش را در قالب کلمات ریخته و به رشته تحریر درآورده باشی، دیدن او در این سن و سال در نیمه‌نهایی جام جهانی، فراتر از یک اتفاق ورزشی است. این تماشاای فصل پایانی یک حماسه‌است؛ حماسه‌ای که خودت سطر به سطر آن را در ذهن‌ت زیسته‌ای. آرژانتین در این جام، فقط یک تیم ملی نیست؛ یک ارتش متحد است که پشت سر فرمانده سالخورده اما همچنان جادویی خود می‌جنگد تا پایان قصه را همان‌طور که شایسته‌است رقم بزند.

حضور مسی در این مرحله، شبیه به آخرین رقص یک بالرین بی‌تکرار روی صحنه است؛ رقصی که می‌دانی دیگر هرگز در طول عمرت مشابه آن را نخواهی دید. هر بار که توپ را می‌گیرد، استادیوم نفس‌ش را در سینه حبس می‌کند. او دیگر نیازی به دودین‌های بی‌امان و استارت‌های طولانی ندارد؛ او با نگاهش، با درک فراتر انسانی‌اش از فضا و زمان، بازی را مهندسی می‌کند. برای مایی که با فوتبال او قد کشیدیم، بزرگ‌گانه‌ها پیر شدیم و لحظه‌لحظه نبوغ‌اش را ثبت کردیم. این نیمه‌نهایی یک موهبت دردناک است. دردناک‌ای این جهت که با تمام وجود جس می‌کنیم شمارش معکوس برای پایان این جام آغاز شده و موهبت از این جهت که شانس این را داریم تا آخرین قطره‌های این نبوغ خالص را با چشم‌مان ببینیم. تقابل او با انگلیس، با آن پس‌زمینه تاریخی، حالا با حضور خدای گونه مسی به یک تابلوی نقاشی بی‌بدیل و یک شاهکار احساسی تبدیل شده‌است.

شکوه این نیمه‌نهایی در همین تضادها، تقابل‌ها و خرده‌روایت‌هاست. در این چهار تیمی که به این مرحله رسیده‌اند، هیچ بازنده‌ای وجود نخواهد داشت. هر تیمی که حذف شود، بخشی از قلب تپنده فوتبال را با خود خواهد برد و هر تیمی که به فینال برسد، نماینده شایسته تمام زیبایی‌های این ورزش خواهد بود

رسمی، پس از اسطوره‌های ماندگاری پروین و مهدی ترابی، در رده چهارم تاریخ باشگاه پرس‌پولیس قرار گرفته این بازیکن در مسابقات لیگ برتر عالیشاه از مجموع پاس‌های گل را در چارچوب مسابقات لیگ برتر این آمار خیره‌کننده، به عنوان بهترین در تمام ادوار تاریخ لیگ برتر شناخته می‌شود. هر پاس گل او داستانی از هوش، تکنیک و فداکاری تیمی را در خود جای داده‌است.

بدون شک، عجیب‌ترین، دراماتیک‌ترین و دست‌نیافتنی‌ترین رکوردی که امید عالیشاه از خود به جا گذاشت، به شهرآورد بزرگ پایتخت و بازی مقابل استقلال مربوط می‌شود. از زمان پیوستن امید عالیشاه به پرس‌پولیس، این تیم در طول بیش از یک دهه تنها در دو دربی شکست خورد که نکته باورکردنی و حماسی اینجاست که هر دوی این باخت‌ها مربوط به زمانی‌ست که امید عالیشاه به دلیل گذراندن دوران سربازی در تیم تراکتور حضور داشت و پیراهن پرس‌پولیس را بر تن نمی‌کرد. این آمار خیره‌کننده بدین معناست که این بازیکن رکورد استثنایی و بی‌تغییر ۱۸ حضور در دربی و صفر شکست در وقت قانونی را با پیراهن پرس‌پولیس از خود به یادگار گذاشته است. او نه تنها رکورددار بیشترین تعداد حضور با پیراهن سرخ‌پوشان در شهرآوردهای رسمی تاریخ است، بلکه با گذل سه گل به یادماندنی، گر به سیاه واقعی رقیب بود. در میان این ۱۰-۲ گل، پیروزی بخش پرس‌پولیس در فینال جام حذفی در فصل ۱۴۰۰-۲ که امید عالیشاه یک‌ضربه کاشته تماشاایی و مینیاتوری وارد دروازه استقلال کرد، بدون شک مهم‌ترین، باشکوه‌ترین و ماندگارترین صحنه در تمام دوران بازیگری ایسن کاپیتان متعصب قلقداد می‌شود.

اکنون زمان جداحفاظی فرا رسیده و امید عالیشاه در سن ۳۴ سالگی، کوله‌بار رکوردهای دست‌نیافتنی و افتخارات بی‌شمار خود را برمی‌دارد و از رختکن تیمی که خانه‌اش بود جدا می‌شود. او رفت، اما میراثی از وفاداری، تعصب و ثبات به جا گذاشت که تا سال‌ها در تاریخ فوتبال ایران جایه‌جا نخواهد شد. کفش‌ها اویخته می‌شوند، بازیکنان می‌آیند و می‌روند، اما یاد و خاطره پسری که هرگز با پیراهن سرخ در دربی نباخت و با ۱۰ جام قهرمانی زیربست، برای همیشه در قلب هواداران پرس‌پولیس جاودانه خواهد ماند.

